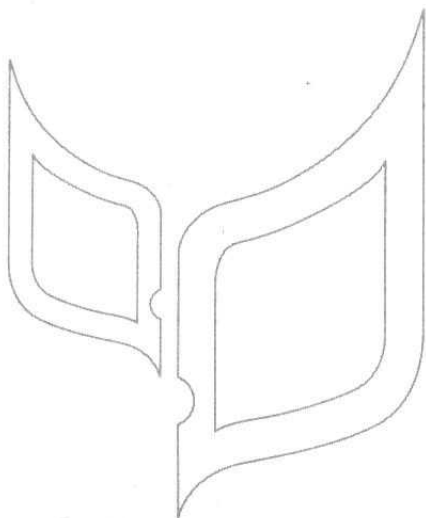


پیمان و پایداری

عبدالحی حسینی

www.ketab.ir



پیمان و پایداری

نویسنده: دکتر عبدالعلی موحدی

ویراستار: دکتر علی اکبر امیراقبال

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

صفحه آرائی: سیما سیاهی

طراح جلد: نوید اسدی

نویت و سال چاپ: چاپ اول، ۱۴۰۰

چاپ و صحافی: صنوبر



آفاق معرفت

Āfāghe Marefat

تهران: خیابان پاسداران، خیابان گل‌نبی،

نبش جنوبی خیابان ناطق نوری (زمرد)،

شماره ۹ (ساختمان زمرد)، طبقه دوم

تلفن: ۲۲۸۴۷۰۳۵

@afagh_book

خرید اینترنتی: afaghbook.com

● **سرشناسنامه:** موحدی، عبدالعلی، ۱۳۵۰- **عنوان و پدیدآور:** پیمان و پایداری/ عبدالعلی

موحدی ● **ویراستار:** علی اکبر امیراقبال ● **مشخصات نشر:** آفاق معرفت، ۱۴۰۰ ●

● **مشخصات ظاهری:** ۳۱۲ صفحه ● **فهرست نویسی بر اساس اطلاعات:** فیپا ●

● **شابک:** ۶-۶-۹۷۵۸۳-۶۲۲-۹۷۸ ● **موضوع:** علی ابن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳

قبل از هجرت- ۴۰ق- اثبات خلافت- رده‌بندی کنگره‌ای: BP۲۲۳/۵- رده‌بندی دیویی:

۲۹۷/۴۵۲ ● **شماره کتابشناسی ملی:** ۸۴۲۵۵۲۵



● شرط فروش: حق هر نوع چاپ و تکثیر فقط برای ناشر محفوظ است ●

فهرست مطالب

پیشگفتار

۳۵-۱۵

۱۵.....	طرح مسئله
۱۸.....	چشم انداز
۲۰.....	روش شناسی پاسخ
۲۳.....	رویکردی ویژه در روش پاسخ دهی
۲۵.....	شاهد نخست
۲۸.....	شاهد دوم
۲۹.....	شاهد سوم
۳۱.....	شاهد چهارم
۳۲.....	شاهد پنجم

فصل اول: نور آگاهی در بند گمراهی

۶۰- ۳۷

۴۱.....	غصب خلافت در شأن تبیین دین
---------	----------------------------

- ۴۱..... امیرالمؤمنین علیه السلام وارث علم نبوی
- ۴۴..... اختصاص امیرمؤمنان علیه السلام در جمع قرآن
- ۴۶..... نخستین قدم غصب: عدم پذیرش قرآن امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۵۰..... دومین قدم غصب: منع نقل حدیث نبوی
- ۵۱..... مروّجان دروغین دین
- ۵۴..... حفظ دین اسلام توسط امیرمؤمنان علیه السلام
- ۵۵..... دوران ابوبکر
- ۵۸..... دوران عمر

فصل دوم: دادخواهی حق ، بیدادگری باطل

۶۱- ۱۲۴

- ۶۵..... امیرمؤمنان علیه السلام زمامداری را حق خود می دانست
- ۶۷..... خطبه ۲ نهج البلاغه
- ۶۸..... نکات خطبه
- ۷۰..... خطبه ۶ نهج البلاغه
- ۷۲..... نکات خطبه
- ۷۳..... خطبه ۱۴۴
- ۷۴..... نکات خطبه
- ۷۸..... نامه ۲۸
- ۸۰..... نکات نامه
- ۸۴..... کلام ابن ابی الحدید
- ۹۰..... نامه ای از امیرالمؤمنین علیه السلام به معاویه
- ۹۴..... نکات نامه

تأکید بر حقایقیت، در نامه‌ای دیگر از امیرمؤمنان علیه السلام به معاویه	۹۵
نکات نامه	۹۶
اتمام حجت امیرمؤمنان علیه السلام در نامه‌ای دیگر	۹۶
نامه آن حضرت پس از شهادت محمّد بن ابی بکر	۹۸
خطبة الوسيله	۱۰۳
مجادلات امیرمؤمنان علیه السلام	۱۰۷
احتجاج امیرمؤمنان علیه السلام در هنگام بیعت	۱۰۷
نکات این فرمایش	۱۱۲
نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به معاویه	۱۱۳
احتجاج معصومین و اصحاب	۱۱۵
احتجاج حضرت زهرا علیها السلام	۱۱۶
احتجاج امام حسن علیه السلام بر معاویه	۱۱۷
احتجاج امام حسین علیه السلام بر عمر	۱۱۸
احتجاج اصحاب بر ابوبکر و عمر	۱۱۹

فصل سوم: پیمان نبی، پایداری وصی

۱۲۵-۱۸۵

مواجهه امیرالمؤمنین علیه السلام با غضب خلافت در شأن زمامداری	۱۲۹
مواجهه اولیّه آن حضرت	۱۳۱
اقدام به نهضت و ناتمام ماندن آن	۱۳۳
حکمت اصلی توقّف نهضت	۱۳۹
پیمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم	۱۳۹
مفاد پیمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم	۱۴۱

- ۱۴۳ کمی یار، عامل توقّف نهضت
- ۱۴۶ دفع یک توهم
- ۱۵۰ پرسش‌هایی روشن‌گر در تبیین حکمت توقّف نهضت
- ۱۵۱ چرا امیرمؤمنان (علیه السلام) به دنبال جمع یار بود؟
- ۱۵۱ نکاتی در پاسخ
- ۱۵۳ آیا خطر کشته شدن امیرالمؤمنین (علیه السلام) وجود داشت؟
- ۱۵۴ نکاتی در پاسخ
- ۱۵۸ رابطه تعداد یاران با اقدام به نهضت چیست؟
- ۱۵۹ نکاتی در پاسخ
- ۱۶۰ چرا باید جان آن حضرت حفظ می‌شد؟
- ۱۶۰ نکاتی در پاسخ
- ۱۶۱ بیان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)
- ۱۶۵ وجوه دیگری از حکمت‌های توقّف نهضت
- ۱۶۵ اسم اسلام عاملی دیگر در حفظ دین
- ۱۶۹ جلوگیری از بروز کفر مردم
- ۱۷۰ عهد پیامبر فراموش نشود
- ۱۷۲ الگوگیری از انبیای گذشته
- ۱۸۰ اراده خداوند
- ۱۸۲ به دنیا آمدن مؤمنان
- ۱۸۴ جمع‌بندی

فصل چهارم: حباب شبهه بردریای حقیقت

۱۸۷ - ۳۰۱

ردّ پیشنهاد عباس و ابوسفیان، نشانه رضایت نیست (بررسی خطبه ۵) ۱۹۱

شخصیت عباس	۱۹۴
شخصیت ابوسفیان	۱۹۶
سبب امتناع امیرالمؤمنین علیه السلام از قبول بیعت	۱۹۸
شواهدی در خطبه ۵	۲۰۱
تن دادن به بیعت با عثمان، نشانه رضایت نیست (بررسی خطبه ۷۴)	۲۰۴
امیرالمؤمنین علیه السلام خلافت را واگذار نکرد	۲۰۵
شمول ظلم بر جامعه اسلامی	۲۰۸
معنای صحیح خطبه ۷۴	۲۱۲
دفع یک توهم	۲۱۴
رد پیشنهاد بیعت مردم، نشانه رضایت نیست (بررسی خطبه ۹۲)	۲۱۶
لزوم تأویل کلام، در هر دو مبنا	۲۱۸
برخی شواهد دیگر	۲۲۱
عموم مردم شناخت صحیح از آن حضرت ندارند	۲۲۵
اتمام حجت	۲۳۰
شواهدی از خطبه ۹۲	۲۳۵
چشم پوشی و وانهادن، نشانه رضایت نیست (بررسی خطبه ۱۶۲)	۲۳۷
نکاتی مهم در نقد و بررسی	۲۳۸
احتمال های دیگر در معنی کلام آن حضرت	۲۴۲
بررسی نامه آن حضرت پس از شهادت محمد بن ابوبکر	۲۴۵
نادیده انگاشتن قوانین موجود در نوشتار آن حضرت	۲۴۷
معنی صحیح فرمایش آن حضرت	۲۵۵
بررسی قصارالحکم ۴۶۷	۲۵۹

پیشگفتار

از جمله مباحث مورد گفت و گو میان شیعه و اهل تسنن، زمامداری و حکومتِ جامعهٔ اسلامی پس از رحلتِ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. در طول تاریخ بعد از رسول صلی الله علیه و آله تا عصر حاضر، همواره این مسئله از اساسی ترین نقاط مورد اختلاف میان مسلمانان بوده و نظریات گوناگونی از سوی تفکرات مختلف ارائه شده است.

شیعه به عنوان اعتقاد اصیل اسلامی معتقد است زمامداری پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله، حق الهی ائمه علیهم السلام است و دیگران به ناحق، مسند حکومت را از این بزرگواران ستانده اند. در مقابل، مخالفان نیز با تلاشی پی گیر در صددند حوادث واقع شده در صدر اسلام را مشروع جلوه داده، مطابق رضایت خدا و شرع اسلام معرفی کنند.

طرح مسئله

آنچه در این نوشتار بررسی و به نقد کشیده شده است، نظریه ایست که

می‌توان از آن با عنوان پنداره رضایت نام برد.^۱ طرف داران این نظریه برآنند:

هرچند امیرمؤمنان علیه السلام پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله شایستگی تصدی حکومت را دارا بود و گرچه آن حضرت، حق احراز این مقام را برای خود ثابت می‌دید (چه به سبب نص الهی و چه به خاطر افضلیت)، اما آن هنگام که از اقبال مردم مأیوس گشت، به حکومت دیگران راضی شد و از حق خود صرف نظر کرد و از آنجا که زمامداری آنان را در راستای اجرای احکام خدا می‌دید، به همکاری و مشارکت در امر حکومت پرداخت.

این گروه همچنین از مدارک شیعی، شواهدی را بر ادعای خویش ارائه کرده، به طور ضمنی اعتقاد شیعه را مناقض و مخالف مبانی خود معرفی می‌کنند. به عنوان نمونه، یکی می‌گوید:

علی با سکوت چندین ساله خود، مهر تأیید بر خلافت سه خلیفه دیگر نهاد.^۲

و دیگری می‌نویسد:

۱. لازم به ذکر است که این پنداره، یکی از سوء برداشت‌هایی است که از رفتار و گفتار آن حضرت صورت می‌گیرد و امید می‌رود این نوشتار، الگویی باشد تا با نقد یکی از این برداشت‌های ناصواب، راه را برای بررسی دیگر برداشت‌های غلط از این بیانات و رفتار امیرمؤمنان علیه السلام و مشابه آن باز کند.

۲. کیهان فرهنگی، شماره ۱۷۰، آذر ۷۹، ص ۸۰.

امام به تعبیر خویش دست خود نگاه می‌دارد و از حق خود کریمانه درمی‌گذرد! چرا که مصلحت و منفعت دین درگرو سکوت دردآلود او و واگذاری حقی است که شایستگی آن را چه در نظر خود و چه در نظر دیگران داراست.^۱

و همچنین:

و اگر این مطالب را با دیگر موارد کتاب وقعة الصّفين و الغارات تقفی و... همراه سازیم، نتیجه‌ای جز این به دست نمی‌آید که علی علیه السلام خود را برای خلافت شایسته ترمی دیده، ولی چون ملاحظه کرده که خلفای سه‌گانه نیز بدخواه اسلام و مسلمانان نیستند و در راه اجرای قوانین اسلام و گسترش آن تلاش و کوشش نشان می‌دهند، با آنها بیعت نمود.^۲

البته در طول تاریخ اسلام نیز این تفکر وجود داشته و به عنوان نمونه، سلیمانیه و بتریه^۳ که گروهی از زیدیان هستند به دلیل بیعت و رضایت امیرمؤمنان علیه السلام با ابوبکر و عمر، حکومت آنها را مشروع برمی‌شمردند.^۴ از این رو هدف اصلی در بررسی این نظریه، بیان نارضایتی دائمی

۱. کیهان فرهنگی، شماره ۱۸۲، آذر ۸۰، ص ۳۵.

۲. عیانات: ۳۲۳.

۳. این واژه هم به صورت «بتریه» و هم به صورت «بتریه» ضبط شده است.

۴. نک. المسائل الجارودیه: ۱۰-۱۴ و... احمد کاتب نیز با نقل این مطلب از سلیمان بن جریر، آن را دلیلی بر نظریه خویش برمی‌شمارد. نک. تکامل فکر سیاسی شیعه: ۳۷.

امیرمؤمنان علیه السلام از حاکمان وقت و ارائه سبب سکوت آن حضرت در مقابل آنان، از زبان خود آن حضرت است تا روشن شود طبق مدارک شیعه نه تنها رضایتی از جانب امیرمؤمنان علیه السلام نسبت به مخالفانش وجود ندارد بلکه رفتار و گفتار آن حضرت، سراسر اعلام نارضایتی و مظلومیت خود است.^۱

چشم انداز

در این راستا، مطالب در طی چهار فصل ارائه شده است:

در فصل اول به طور مختصر به غصب خلافت در امر تبیین دین پرداخته شده است. همان گونه که در بحث امامت تطبیقی، مفهوم خلافت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از زمامداری بر جامعه، توسعه یافت و اعتقاد شیعه در جانشینی ائمه علیهم السلام در شئون مختلف پیامبر صلی الله علیه و آله نشان داده شد؛ در این بحث نیز غصب خلافت ائمه علیهم السلام از غصب حق زمامداری و حکومت بر جامعه اسلامی به غصب خلافت آنان در شئون مختلف تعمیم داده شده و به طور عمده به بررسی این پدیده در مقام تبیین و توضیح آیات قرآنی و معارف دین پرداخته شده است.

فصل دوم که دربردارنده اصلی ترین هدف این نوشتار است، به ارائه سخنان امیرمؤمنان علیه السلام در حقانیت خود برای زمامداری و باطل بودن

۱. در این راستا مراجعه به متن کامل مدارکی که گزیده ای از آن در متن آمده و همچنین مطالعه مدارک اضافه تری که در پاورقی ها اشاره شده، کمک شایانی به حاصل شدن هدف این نوشتار خواهد کرد.

دیگران اختصاص دارد. در این فصل گوشه‌ای از دادخواهی و تظلم آن حضرت به قلم درآمده تا هم بیان شود امیرمؤمنان علیه السلام همواره حق خود را در جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در امر زمامداری، غصب شده می‌داند و هم پاره‌ای از اعلام نارضایتی دائمی آن حضرت از حکومت غاصبان یادآوری شده باشد.

در فصل سوم رفتار امیرمؤمنان علیه السلام در برابر غصب حق حکومت الهی خویش گزارش شده است و طبق مدارک شیعی نشان داده شده امیرمؤمنان علیه السلام ابتدا در مقابل مخالفان، به نهضت برخاست. اما در ادامه به سبب عهد و پیمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و به سبب مواجهه با خذلان مردم، حرکت خود را متوقف ساخت و سکوتی تلخ را پیشه کرد. همچنین حکمت‌های این سکوت از زبان خود آن حضرت ارائه شده تا از هرگونه سوء استفاده از رفتار و گفتار ایشان برای توهّم رضایت از غاصبان، جلوگیری گردد.

با توجه به فصل‌های دوم و سوم که قرینه‌ای قطعی از سخنان و کردار امیرمؤمنان علیه السلام در نارضایتی نسبت به غاصبان حق الهی خویش به دست می‌دهد، در فصل چهارم به بررسی شبهات مخالفان پرداخته و شواهد خیالی آنان بر پنداره رضایت، یک به یک مورد دقت قرار گرفته است و با توجه به متن کامل فرمایش‌های مورد استناد و ارائه معانی و وجوه محتمل‌تر و بلکه قطعی این شواهد، تعصب کورکورانه و عدم رعایت موازین علمی از جانب مخالفان برملا شده است.